

معرفی کتاب **کشف توانمندی ها از مارکوس باکینگهام و دونالد کلیفتون**

کشف توانمندی ها

نویسندگان: مارکوس باکینگهام و دونالد کلیفتون
مترجم: عبدالرضا رضایی نژاد
ناشر: انتشارات فرا، ۱۳۸۲
صفحه ۲۸۸

در سازمان ها بسیار شاهد حضور کارکنانی هستیم که از دانش و تخصص ارزشمندی برخوردارند، ولی سازمان بهره زیادی از دانش آنان نمی برد. چنین مشاهداتی یک مدیر را به این اندیشه فرو می برد که ملاک ارزیابی سازمان در جذب و آموزش کارکنان چه باید باشد.

بخش دوم کتاب «گام دوم: کشف توانمندی ها» نتایج پژوهش وسیعی که توسط سازمان گالوپ در زمینه مدیریت منابع انسانی انجام شده است را در اختیار خوانندگان قرار می دهد. نتایج این پژوهش ارزشمند که حاصل بررسی بیش از چهارصد شرکت موفق جهان و مصاحبه با بیش از هشتاد هزار مدیر موفق و یک میلیون کارمند است، نشان می دهد که دانش و مهارت چنانچه در راستای هوشمندی فرد باشد منجر به توانمندی می شود. هوشمندی از آن تنها عده ای خاص نیست، بلکه هر انسانی هوشمندی های ویژه خود را دارد؛ لذا مهم ترین کار مدیر در نقش یک مربی، نشان دادن هر فرد در جایگاه خود و به کارگیری هوشمندی های اوست. این کتاب ۳۴ نوع هوشمندی را به عنوان راهنما معرفی می کند. در این پژوهش مشخص شد که فاجعه بزرگ در زندگی انسان ها، کمبود توانمندی ها نیست، بلکه بکار نگرفتن آن هاست.

بنجامین فرانکلین توانمندی های هدر رفته را ساعت آفتابی در سایه نامیده است و انگیزه ما نیز از این نوشتار یادآوری این نکته است که بسیاری از سازمان ها، تیم ها و افراد، نادانسته ساعت آفتابی خود را در سایه قرار داده اند. این کتاب با هدف به راه انداختن انقلاب توانمندی ها نوشته شده است. سازمان های انقلابی با دگرگون سازی روش گزینش، ارزیابی و پرورش انسان ها، بایستی سراسر شرکت را برگرد توانمندی های فرد کارکنان سازمان قرار دهند. در پی پژوهشی که سازمان گالوپ در ۷۹۳۹ کسب و کار گوناگون در ۳۶ شرکت بزرگ و بر روی ۱۹۸،۰۰۰ کارمند انجام داده تنها ۲۰ درصد از این کارکنان شرکت های بزرگ احساس می کردند که توانمندی های آنان پیوسته به کار گرفته می شود. به بیان دیگر ۸۰ درصد کارکنان احساس می کنند که در واگذاری نقش مناسب به آنان، بخش بندی درستی صورت نگرفته است.